

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سمیرا پورآقائی، سیده مریم سیدان
۳۰ جنوری ۲۰۲۲

ردپای «بنیاد سوروس» در انقلاب رنگی در قزاقستان



تحلیل رسانه‌های امریکائی و روسی از پشت پرده وقایع قزاقستان

وقایع رخ داده در قزاقستان سبب شده تا تحلیل‌های مختلفی از سوی رسانه‌های غرب به ویژه امریکا درباره پشت‌پرده این تحولات منتشر شود؛ از جمله «میدل ایست مانیتور» به تشریح عواملی پرداخت که به واسطه آن برای براندازی در آن کشور تلاش شده است.

قزاقستان تقریباً یک شبه به دلیل دو برابر شدن قیمت گاز مایع دچار هرج و مرج شد. این جرقه‌های برای اعتراض‌های سراسری بود که از آلماتی – مرکز تجاری این کشور – گرفته تا بنادر «آقتاو» و «آتیراو» در بحیره خزر و حتی «نورسلطان» پایتخت این کشور را در بر گرفت.

در پی اعتراض‌های گسترده در قزاقستان، «قاسم جومارت توقایف» رئیس‌جمهوری این کشور از سازمان «بیمان امنیت جمعی»، ائتلاف نظامی روسیه و کشورهای متحدش که شامل ارمنستان، بلاروس، قرقیزستان و تاجیکستان است

درخواست کمک کرد. روسیه سربازان چترباز خود را به عنوان بخشی از «نیروهای حافظ صلح» به قزاقستان اعزام کرد. در واقع، این نیروها در سال ۲۰۰۲ پس از حمله آمریکا به افغانستان ایجاد شدند.

در همین رابطه پایگاه تحلیلی «میدل ایست مانیتور» در مطلبی به دو دلیل برای براندازی و انقلاب رنگی در قزاقستان اشاره کرد و نوشت: مدیریت اعتراض‌های مردمی و انتقال گروه‌های آموزش دیده داعشی به داخل کشور، دو عاملی است که به واسطه آن برای براندازی تلاش شده است.

به نوشته این رسانه، نیروهای روسی با هدف تأمین حفاظت، امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده دولت و حمایت از نیروهای قزاق در برابر گروه‌های مسلح در قزاقستان حضور یافتند. این کشور که در آسیای میانه قرار دارد، از شمال با روسیه و از شرق با چین هم‌مرز است. صنعت قزاقستان از نظر مواد معدنی از جمله نفت، گاز، منگنز، آهن، کروم و زغال‌سنگ بسیار غنی است و بزرگترین تولیدکننده اورانیوم در جهان محسوب می‌شود. صادرات این کشور به روسیه و چین بیشتر از سایر کشورهاست.

قزاقستان کمتر از ۲۰ میلیون نفر جمعیت دارد و «پایگاه فضائی بایکونور»، قدیمی‌ترین و یکی از بزرگترین تشکیلات پرتاب فضائی فعال در جهان، در منطقه‌ای بیابانی در نزدیکی شهر بایکونور واقع شده است. تأثیر نقش ستراتیژیک آن را بر امنیت چین و روسیه، دو رقیب اصلی آمریکا که در حال حاضر تمرکز خود را از مناطق عرب-نشین به سمت شرق و آسیای میانه تغییر داده، نباید نادیده گرفت. تغییر مسیر آمریکا، واشنگتن را وادار کرد با هدف ایجاد حلقه تشنج و درگیری با چین در شرق، ایران از غرب و تاجیکستان، ازبیکستان و ترکمنستان در شمال، از افغانستان عقب‌نشینی کند. آمریکا قصد دارد برای رسیدن به منافع خود، نیروهای ایرانی، روسی و چینی را از آسیای میانه خارج کند.

توطئه براندازی دولت قزاقستان که با شکست مواجه شد، به دو عامل زیر مربوط است:

۱) از طریق اعتراض‌های گسترده مردمی در دوم جنوری (۱۲ جدی) ۲۰۲۲ به رهبری سازمان‌های جامعه مدنی که از سوی غربی‌ها حمایت مالی می‌شدند، با انگیزه عدم وجود دموکراسی و کثرت‌گرایی، افزایش قیمت سوخت، کالاهای اساسی و شرایط سخت اقتصادی آغاز شد.

۲) انتقال گروه‌های تکفیری مسلح از جمله داعش و القاعده که در جنگ داخلی افغانستان، سوریه و عراق، تجربه رزمی به دست آورده‌اند. این گروه‌های تروریستی، دست‌پرورده آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب هستند که توسط آنها تأمین مالی می‌شوند.

مداخله سریع روسیه در ششم جنوری (۱۶ جدی) ۲۰۲۲ به همراه کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی، نقشه شوم آمریکا را برای شعله‌ور کردن جنگ داخلی در قزاقستان، ناکام گذاشت. آمریکا و رژیم صهیونیستی منابع مالی سایر کشورهای عربی را به نفع تداوم سلطه یهودیان اسرائیلی، تضعیف کرده‌اند. توطئه این دو جنایتکار برای نابودی دولت قزاقستان با شکست مواجه شد اما پرسش مهم این است که آیا واشنگتن، تل‌آویب و اروپا برای رسیدن به اهدافی که در سر دارند، سایر مناطق را تسخیر خواهند کرد؟

آیا قزاقستان در آستانه «انقلاب رنگی» قرار داشت؟

یک رسانه روسی نیز در گزارشی تحلیلی به ریشه‌یابی شکل‌گیری بحران در قزاقستان و چشم‌انداز آن پرداخت و نوشت: دولت مرکزی به دنبال این اعتراض‌ها مجبور به کاهش قیمت گاز شد اما این اقدام تنها به آغاز مرحله بعدی

اعتراض‌ها کمک کرد. در این مرحله، مردم خواستار کاهش قیمت مواد غذایی، پایان کمپین (پویش) واکسیناسیون، کاهش سن بازنشستگی برای مادران دارای فرزند و با شعارهایی خواستار تغییر رژیم شدند.

به نوشته پایگاه تحلیلی «کاتهن»، از دید کشورهای دیگر، درک این که چرا باید یک قدرت بزرگ صادرکننده انرژی مانند قزاقستان نیاز به افزایش قیمت گاز برای مردم خود داشته‌باشد، دشوار است. دلیل این افزایش قیمت، نئولیبرالیسم افسارگسیخته و بازار آزاد است. از آنجائی که تولیدکنندگان با افزایش سرسام‌آور مصرف، دائم مجبور به فروش محصولات خود زیر قیمت اصلی بودند؛ حفظ سقف قیمت به عنوان یک رسم چند دهه‌ئی غیرممکن شد. بنابراین، همه در قزاقستان انتظار افزایش قیمت را داشتند.

این اعتراض‌ها به قیمت سوخت از شهر «ژانائوزن» آغاز و به استان «منگیستاو» مرکز نفت و گاز این کشور رسید. ناآرامی‌ها به سرعت به آلمانی که خودروهای زیادی در آن بوده و مرکز تجاری واقعی کشور محسوب می‌شود، رسید. «قاسم جومارت توقایف» رئیس‌جمهوری این کشور در ابتداء علاوه بر وعده بازگشت سقف قیمت‌ها، وضع وضعیت اضطراری و منع آمد و شد را در آلمانی و استان «منگیستاو» اعلام کرد. او همچنین استعفای دسته جمعی دولت فعلی را پذیرفت و در این راستا «علیخان اسماعیلوف» معاون نخست‌وزیر را به عنوان نخست‌وزیر موقت تا تشکیل کابینه جدید منصوب کرد.

به نظر می‌رسید این اقدامات نمی‌تواند آرامش را به قزاقستان بازگرداند. با نگاهی به توالی حوادث، تلاش معترضان در آلمانی برای یورش به دفتر شهرداری را شاهد بودیم. همچنین تیراندازی معترضان به ارتش که در نتیجه آن یک بنای یادبود نظربایف در «تالدیکورگان» تخریب شد. اقامتگاه سابق او در آلمانی به تسخیر معترضان درآمد. سپس شرکت مخابراتی دولتی «قزاق تلکام» اینترنت کشور را به طور کلی قطع کرد. تعدادی از اعضای گارد ملی از جمله خودروهای زرهی به معترضان در آق‌تاو پیوستند و دستگاه‌های خودپرداز از کار افتادند.

در این زمان، آلمانی که به طور کامل دچار هرج‌ومرج شده بود، در عمل توسط معترضان تصرف شد. افزون بر آن، فرودگاه بین‌المللی آن، که صبح چهارشنبه (۱۵ جدی) تحت تدابیر شدید امنیتی قرار داشت، در عصر همان روز به قلمرو اشغالی معترضان تبدیل شد. در ادامه، حریم هوایی قزاقستان مجبور بود با ترافیک طولانی جت‌های خصوصی که به سمت مسکو و اروپای غربی حرکت می‌کردند، نیز دست‌وپنجه نرم کند. «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین با احتیاط تأکید کرد: «ما متقاعد شده‌ایم که دوستان قزاق ما می‌توانند به طور مستقل مشکلات داخلی خود را حل کنند». وی افزود: «مهم است که هیچ کس از بیرون دخالت نکند».

مذاکرات ژنوستراتیژیک

چطور ممکن است همه چیز به این سرعت از کنترل خارج شود؟ رئیس‌جمهوری قزاقستان در سخنان خود فراخوان «تسلیم نشدن در برابر تحریکات داخلی و خارجی» را صادر کرد که امری منطقی است اما همچنین اطمینان داد که دولت سقوط نخواهد کرد. موضوع دوم منطقی نبود زیرا حتی پس از تشکیل یک جلسه اضطراری که در آن دولت تلاش داشت با وعده برآورده ساختن همه «خواسته‌های مشروع» به معترضان، به این شبکه درهم‌پیچیده مشکلات اجتماعی رسیدگی کند، باز هم دولت در حال سقوط بود.

این ناآرامی‌ها حداقل در ابتداء شبیه یک سناریوی کلاسیک تغییر رژیم آغاز نشد. این پیکربندی حالتی سیال و بی‌شکل از هرج و مرج داشت زیرا نهادهای قدرت قزاق به‌شدت شکننده بوده و قادر به درک اعتراض‌های اجتماعی گسترده‌تر نبودند. در نظام این کشور یک اپوزیسیون سیاسی شایسته و هیچ تبادل سیاسی وجود ندارد. همچنین جامعه مدنی نیز

کانالی برای ابراز وجود ندارند. بنابراین همهٔ موارد دست به دست هم داد تا شورشی رخ دهد که همه در آن بازنده هستند. چیزی که هنوز دقیقاً مشخص نیست این که کدام دسته‌های مخالف اعتراض‌ها را شعله‌ور می‌کنند و در صورت رسیدن به قدرت، دستور کار آنها برای کشور چیست؟ به هر حال، هیچ اعتراض خودجوشی نمی‌تواند عملاً یک شبه و به صورت همزمان در سراسر این کشور پهن‌ور ایجاد شود.

قزاقستان آخرین جمهوری بود که در دسامبر ۱۹۹۱ از اتحاد جماهیر شوروی در حال فروپاشی جدا شد. تحت ریاست‌جمهوری نظربایف، این کشور بلافاصله یک سیاست خارجی «چند بُرداری» را آغاز کرد. تا به امروز، نورسلطان توانسته است با هدف تثبیت خود به عنوان پل اساسی بین اروپا و آسیا، به طرز ماهرانه‌ای خود را به عنوان یک میانجی دیپلماتیک اصلی از بحث در مورد برنامهٔ هسته‌ای ایران در اوایل سال ۲۰۱۳ گرفته تا جنگ سوریه از سال ۲۰۱۶ معرفی کند.

«ابتکار جاده و کمربند» یا جاده‌های ابریشم جدید با محوریت چین به طور رسمی توسط «شی جین پینگ» در دانشگاه نظربایف در سپتامبر ۲۰۱۳ آغاز شد. این اتفاق به سرعت با مفهوم یکپارچگی اقتصادی اوراسیا و سیاست اقتصادی جدید قزاقستان موسوم به «راه روشن» تطابق یافت.

در سپتامبر ۲۰۱۵ و در بیجینگ، نظربایف راه روشن را با ابتکار جاده و کمربند همسو کرد و در عمل قزاقستان را به سمت مرکز نظم جدید ادغام اوراسیا سوق داد. از نظر ژئواستراتژی، قزاقستان بزرگترین کشور محصور در خشکی جهان است که به قلمرو تعامل اصلی دیدگاه‌های چین و روسیه یعنی ابتکار جاده و کمربند و «اتحادیهٔ اقتصادی اوراسیا» تبدیل شده‌است.

یک تاکتیک انحرافی

برای روسیه، قزاقستان حتی ستراتیژیک‌تر از چین است. نورسلطان معاهده «سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی» را در سال ۲۰۰۳ امضاء کرد. این کشور یکی از اعضای کلیدی اتحادیهٔ اقتصادی اوراسیا است. هر دو کشور روابط نظامی و فنی گسترده‌ای دارند و همکاری‌های فضائی ستراتیژیک را در پایگاه فضائی «بایکونور» انجام می‌دهند. افزون بر این، زبان روسی یکی از زبان‌های رسمی این کشور است که ۵۱ درصد از شهروندان جمهوری قزاقستان به آن صحبت می‌کنند.

دست‌کم ۳.۵ میلیون روس در قزاقستان زندگی می‌کنند. هنوز زود است که بتوان پیش‌بینی کرد که یک «انقلاب» احتمالی که با رنگ‌های آزادی‌بخش ملی رنگ شده، بتواند نظام قدیمی را در نهایت از بین ببرد. حتی اگر این اتفاق بیفتد نیز، مسکو هرگز همهٔ نفوذ سیاسی قابل توجه خود را از دست نخواهد داد.

بنابراین مشکل اصلی که باید به سرعت به آن رسیدگی شود، تضمین ثبات قزاقستان است. اعتراض‌ها باید متفرق شود. امتیازهای اقتصادی زیادی وجود خواهد داشت. این هرچومرغ و بی‌ثباتی را نمی‌توان برای همیشه تحمل کرد و مسکو این را می‌داند.

معادلهٔ بلاروس نشان داده است که چگونه وجود یک رهبر قوی می‌تواند معجزه کند. با این حال، توافق‌های سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی، یاری‌رسانی در مواقع بحران‌های سیاسی داخلی را پوشش نمی‌دهد؛ از طرفی به نظر نمی‌رسد توقایف تمایلی به ارائهٔ چنین درخواستی داشته‌باشد؛ تا این که این کار را انجام داد و خواستار مداخلهٔ سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی برای بازگرداندن نظم شد.

اجرای حکومت نظامی موضوعی اجباری خواهد بود و نورسلطان حتی ممکن است دارائی‌های شرکت‌های امریکائی و انگلیس را که گفته می‌شود از اعتراض‌ها حمایت می‌کنند، مصادره کند. «نیکول پاشینیان» رئیس سازمان پیمان امنیت جمعی و نخست‌وزیر ارمنستان، در این زمینه گفت: «توقیف به تهدیدی برای امنیت ملی و «حاکمیت» قزاقستان اشاره کرده که ناشی از مداخله خارجی است. بنابراین، این سازمان تصمیم گرفت نیروهای حافظ صلح را برای عادی‌سازی وضعیت و برای مدت زمان محدود به این کشور اعزام کند».

مظنونان به ایجاد بی‌ثباتی در قزاقستان اینک بخوبی شناخته شده‌اند. به احتمال زیاد آنان دسترسی، نفوذ سیاسی و امکانات کافی ندارند تا قزاقستان را به طور نامحدود در آتش نگاه دارند. رهبران این معترضان اما اهداف صریحی از این درگیری‌ها دارند. آنها خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، تغییر رژیم و تشکیل دولت موقت از شهروندان معتبر و قابل اطمینان و همچنین خروج از همه توافق‌ها با روسیه هستند.

در همین حین اتحادیه اروپا شروع به درخواست از مقام‌های قزاقستان برای احترام به حق اعتراض‌های مسالمت‌آمیز می‌کند. اعتراض‌های مسالمت‌آمیز از نظر آنان یعنی اجازه دادن به هر چه و مرج کامل، سرقت، غارت، تخریب صدها وسیله نقلیه، حملات با تفنگ و نابودی دستگاه‌های خودپرداز؛ حتی فروشگاه‌های خرید بدون مالیات در فرودگاه آلماتی توسط معترضان به طور کامل غارت شد.

به نظر می‌رسد تا کنون شعارها از منابع زیادی سرچشمه گرفته‌اند و هنوز همه اهداف به صورت کامل شناسائی نشده‌است. اهداف اما تا حدودی حذف حاکمیت، مدیریت خارجی و در نهایت تشکیل یک حزب سیاسی ضد روسی است. «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه، «الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهوری بلاروس و توقیف رئیس‌جمهوری قزاقستان در تماس‌های تلفونی، مدت زیادی را برای بررسی ابتکار لوکاشنکو سپری کردند. رهبران همه اعضای سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی با یک دیگر در تماس نزدیک هستند. یک طرح اصلی بازی همچون یک عملیات ضد تروریستی گسترده و وسیع، از قبل طراحی شده است که جنرال «والری گراسیموف» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه شخصاً بر آن نظارت خواهد کرد.

اما در نهایت برخی بر این باورند که کل ماجراجویی قزاقستان توسط «سرویس اطلاعات مخفی» (MI ۶) پیش از مذاکرات روسیه، ایالات متحده و ناتو حمایت می‌شده تا از هر نوع توافقی جلوگیری شود.



مجله امریکائی «کاورت اکشن» از هزینه ۳.۸ میلیون دلاری «بنیاد جامعه باز» متعلق به «جورج سوروس» و ۱.۲ میلیون دلار از «بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی» در قزاقستان خبر داده است.

در بخش نخست، نگاهی داشتیم به تحلیل شماری از رسانه‌های امریکائی و روسی از پشت پرده وقایع قزاقستان و چگونگی شروع بحران؛ در بخش دوم، به تحلیل دیگر رسانه‌های غربی از نقش «بنیاد سوروس» برای انقلاب رنگی در قزاقستان، پرداختیم.

از دوم جنوری (۱۲ جدی) و روزهای آغازین سال ۲۰۲۱ میلادی، تظاهراتی در شهر «ژان‌اوزن» در غرب قزاقستان آغاز شد و دامنه آن به سراسر کشور گسترش یافت. در این تظاهرات بیش از ۱۶۰ تن از جمله حداقل ۱۸ افسر پلیس کشته و صدها نفر دیگر زخمی شده‌اند.

رسانه‌های جریان اصلی از جمله «نیویورک تایمز» دلیل این خشونت‌ها را دو برابر شدن قیمت سوخت، نارضایتی از استبداد سیاسی و فساد عنوان کردند اما برخی رسانه‌ها از واقعیت‌هایی دیگر پرده بر می‌دارند.

وبسایت مجله «کاورت اکشن» در گزارشی با عنوان «بنیاد وقف ملی برای دموکراسی ۱.۲ میلیون دالر برای کمک به قزاقستان در راستای آغاز انقلاب رنگی علیه رژیم طرفدار روسیه و چین اعطا کرد»، نوشت: «قاسم جومارت توقایف» رئیس‌جمهوری قزاقستان به دلیل نقض گسترده حقوق بشر با حمایت روسیه، به طور گسترده محکوم شده است. «آنتونی بلینکن» وزیر امور خارجه امریکا از روسیه به عنوان یک قدرت اشغالگر یاد کرد.

در اصل، روسیه به منظور حمایت از توقایف، نیروهای خود را به قزاقستان اعزام کرده بود. در پنجم جنوری (۱۵ جدی)، توقایف طبق ماده چهار «سازمان پیمان امنیت جمعی» از این سازمان درخواست کمک کرد و ائتلاف یاد شده نیز با ارائه کمک نظامی و دفاعی به قزاقستان موافقت کرد. سازمان پیمان امنیت جمعی ائتلافی به رهبری روسیه و متشکل از کشورهای شوروی سابق شامل بلاروس، تاجیکستان، ارمنستان و قرقیزستان است.

در بیشتر پوشش‌های رسانه‌ای (کشورهای غربی) از این درگیری‌ها، توقایف به عنوان فردی بد در کنار «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه به تصویر کشیده می‌شود. «شرکت پخش رادیویی کانادا» نیز گزارش داد که دو افسر پولیس در آلمانی در حالی پیدا شدند که سر آنان بریده شده بود و همچنین اعلام کرد معترضان به ساختمان‌های دولتی یورش بردند و آنها را به آتش کشیدند.

«راشا تودی» نیز گزارش داد، معترضان در حال هدایت خودروهای نظامی، خلع سلاح سربازان، آتش‌زدن خودروها و به آتش کشیدن دفتر شهردار آلمانی بودند. همچنین، روزنامه «نیویورک تایمز» در هفتم جنوری (۱۷ جدی) عکسی از یک ماشین پولیس که در حال سوختن بود، منتشر کرد.

«په‌په اسکوبار» در «بنیاد فرهنگ ستراتیژیک» درباره تظاهرکنندگان نوشت: «اغتشاش کامل، دزدی، غارت، صدها وسیله نقلیه تخریب شده، حملات با تفنگ‌های تهاجمی، دستگاه‌های خودپرداز و حتی فروشگاه‌ها در فرودگاه آلمانی کاملاً غارت شدند». این نظر با سخنان «گالیم آگلولوف» فعال حقوق بشر در آلمانی که در تظاهرات شرکت کرده بود، هماهنگی داشت. او این جمعیت را به عنوان گروهی سرکش از اراندل و اوباش توصیف کرد که به وضوح توسط گروه‌های جنایتکار و غارتگر سازماندهی شده‌اند.

تغییر رژیم، مهمترین هدف غرب در سازماندهی اعتراض‌ها

البته این رسانه‌ها گزارش ندادند که سازمان‌های سیاسی در قزاقستان در سال ۲۰۲۰ مبلغ ۳.۸ میلیون دالر از «بنیاد جامعه باز» متعلق به «جورج سوروس» و ۱.۲ میلیون دالر از «بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی» (NED) دریافت کردند تا به بهانه ترویج دموکراسی و حقوق بشر، اقدامات مربوط به تغییر رژیم را علیه رهبران طرفدار روسیه در اروپای شرقی و آسیای مرکزی پیش ببرند. اطلاعات سال ۲۰۲۱ هنوز در دسترس عموم قرار نگرفته است.

بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی در دهه ۱۹۸۰ توسط دولت «رونالد ریگان» برای انجام وظایفی که پیش از آن بر عهده آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) بود، تأسیس شد. این بنیاد در حمایت از انقلاب‌های رنگی یا عملیات‌هایی برای تغییر رژیم در سراسر اروپای شرقی و آسیای مرکزی علیه رهبران طرفدار روسیه شرکت داشته است. انقلاب‌هایی همچون «انقلاب گل رز» گرجستان در سال ۲۰۰۳ که در آن «ادوارد شواردناده» رئیس‌جمهوری وقت برکنار شد. این بنیاد همچنین در انقلاب رنگی اوکراین در فیروزی سال ۲۰۱۴ و برکناری «ویکتور یانوکوویچ» رئیس‌جمهوری این کشور نقش داشت.

این بنیاد در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، حدود ۳ میلیون دلار برای حمایت از وقوع یک انقلاب رنگی در بلاروس علیه «الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهوری سوسیالیست این کشور که متحد نزدیک روسیه نیز بود، هزینه کرد. این تلاش اما به دلیل قدرت وی در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی کشورش از حمایت مردمی قابل توجهی برخوردار بود، نتیجه‌بخش نبود.

بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی بخش زیادی از بودجه خود را صرف آموزش جوانان فعالان برای سازماندهی سیاسی، تقویت سازمان‌های غیردولتی و تأمین مالی رسانه‌های مستقل و مخالف لوکاشنکو می‌کرد زیرا این بخش‌ها نقشی اساسی در تلاش برای تحریک مخالفان و اعتراض‌ها علیه لوکاشنکو داشتند. این بنیاد همچنین قصد دارد موارد مربوط به نقض حقوق بشر را به عنوان ابزاری برای تضعیف مشروعیت لوکاشنکو به عموم نشر دهد.

نهاد یاد شده، همین تلاش را در قزاقستان انجام داده است. این بنیاد در سال ۲۰۲۰، بودجه ۶۱ هزار و ۴۵۰ دلاری را برای دفاع از حقوق بشر، ۶۹ هزار و ۹۲۰ دلاری را برای آنچه ترویج و دفاع از جامعه مدنی می‌نامد و بودجه‌ای معادل ۳۰۰ هزار و ۵۵۰ دلار را برای اخبار و تفسیرهای رسانه‌های مستقل این کشور اختصاص داد.

اگرچه همه این تلاش‌ها مثبت به نظر می‌رسد اما هدف اصلی آنها تحریک مخالفان و تبلیغات علیه رژیم است. هنگامی که اعتراض‌های خشونت‌آمیز تشدید می‌شود، رسانه‌های مخالف به سرعت اقدامات خود علیه رژیم را افزایش داده و رئیس‌جمهوری را به عنوان یک ظالم در حال ارتکاب جنایات حقوق بشری به تصویر می‌کشند. رسانه‌های بین‌المللی نیز از این اقدامات پیروی می‌کنند.

این دست از اقدامات به طور معمول تغییر رژیم را به دنبال دارد اما در مورد قزاقستان به دلیل حمایت روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی از این کشور و نبود سازماندهی مناسب جنبش اعتراضی، وقوع چنین رخدادی بعید است.

رهبر فاسدی که تحت حمایت غرب بود

رهبر جنبش اعتراضی قزاقستان، «مختار ابلیزوف» رئیس سابق بانک «توران عالم» قزاقستان در سال ۲۰۰۹ پس از اتهام فساد و اختلاس ۶ میلیارد دلاری از قزاقستان به انگلیس گریخت.

وی شبکه‌ای متشکل از ۸۰۰ شرکت جعلی دارد که بسیاری از آنها خارج از کشور هستند. او متهم به قتل «یرژان تاتیشف» رقیب تجاری خود شد. یکی از همکارانش در دادگاهی در آلمانی اظهار داشت: ابلیزوف که ریاست حزب دست راستی انتخاب دموکراتیک قزاقستان را بر عهده دارد، «پیشنهاد حذف فزیکه یرژان را داد. او گفت، این اتفاق در طول یک سفر برای شکار رخ می‌دهد و شبیه یک مرگ تصادفی است.»

ابلیزوف که توسط مطبوعات انگلیس به عنوان «ثروتمندترین کلاهبردار جهان» لقب گرفته، در سال ۲۰۱۲ توسط یک قاضی انگلیس به دلیل دروغ گفتن در دادگاه در مورد دارایی‌های مالی‌اش به زندان محکوم شد؛ امری که باعث شد تا از فرانسه درخواست پناهندگی کند.

ابلیازوف مرکز فرماندهی برای وقوع یک انقلاب رنگی جدید در کیف ایجاد کرده؛ جایی که اینک خانه یک دولت تحت حمایت ایالات متحده است. این مرکز آماده جنگ با روسیه بوده و خواستار مداخله نظامی غرب شده است.

اهمیت ژئوپولیتیک قزاقستان برای قدرت‌های شرقی

در رسانه‌ها این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که روسیه موظف به اقدام تحت سازمان پیمان امنیت جمعی برای دفاع از قزاقستان است و این که ایالات متحده از انقلاب رنگی در قزاقستان به عنوان بخشی از اقدامات تهاجمی در جنگ سرد حمایت می‌کند. هدف واشنگتن این است که یک متحد ستراتیژیک کلیدی روسیه را در جبهه سیاسی ایالات متحده و غرب قرار دهد.

روسیه در قزاقستان منافع زیادی دارد؛ مسکو یک سایت پرتاب برای مأموریت‌های فضایی در قزاقستان دارد و همچنین یک سایت آزمایش راکتی بزرگ که در آن یک سیستم دفاع راکتی نسل جدید در حال توسعه است. روسیه همچنین بر گاز قزاقستان به عنوان پشتوانه‌ای برای پوشش کمبود تولید خود تکیه کرده است. قزاقستان به عنوان یکی از تولیدکنندگان پیشرو اورانیوم در جهان، تأمین‌کننده مهم نفت چین و متحد ستراتیژیک کلیدی مسکو شناخته می‌شود. انقلاب رنگی شکست خورده؛ دلیل آن این است که قزاقستان از اتحادیه اقتصادی اوراسیا که اقتصاد این کشور را با روسیه و بلاروس ادغام کرده، منفعت زیادی کسب کرده است.

قزاقستان تحت رهبری توقایف به عنوان یک مرکز اصلی دسترسی به آسیای مرکزی شناخته شده و همچنین آماده دریافت حمایت شدید چین تحت ابتکار کمربند و جاده است؛ پروژه‌ای که منجر به بهبود زیرساخت‌های قزاقستان و سود اقتصادی بسیار زیاد این کشور خواهد شد.